

## جامع نویسان پیش از کلینی

دکتر سید کاظم طباطبایی\*  
علیه رضاداد\*\*

### چکیده

در مقاله حاضر، سعی گردیده است تا با اشاره‌های کوتاه به جامع نویسان پیش از کلینی، این فرضیه، اثبات شود که قبل از کتب اربعه نیز جامع حدیثی دیگری، تبویب و تدوین گردیده است. نگارنده، همچنین در پی آن است تا فرایندی را که به تکامل نگاشته‌های حدیثی و در نتیجه، به تدوین کتب اربعه و به اصطلاح «جوامع حدیثی متقدم» منجر شده است، مورد بحث و بررسی قرار دهد. از این رو، وی به کنکاش در کتب تراجم و رجال پرداخته تا کتبی را که تحت عنوان «الجامع» قبل از کتب اربعه، نگاشته شده‌اند، شناسایی نماید. در این میان، وی به معرفی جوامع حدیثی مانند: *الجامع فی الفقه، الجامع فی سائر أبواب الحرام و الحلال، کتاب مبوب فی الحلال و الحرام، الجامع الکبیر فی الفقه، کتاب مبوب فی الفرائض* و... پرداخته و نحوه تبویب در این جوامع و اعتبار آنها را نزد علمای بزرگ رجال (مانند نجاشی و کشی) بررسی نموده است. نگارنده، پس از معرفی 33 کتاب جامع حدیثی، به این نتیجه مهم می‌رسد که کتب اربعه، از جمله *الکافی*، کهن‌ترین جوامع حدیثی شیعه نیستند و جوامع حدیثی، فرایند مختلفی را طی کرده‌اند تا به کتب اربعه رسیده‌اند.

کلید واژه‌ها: جوامع حدیثی، جامع نویسان، کتب اربعه، کلینی.

### درآمد

این مقاله، در پاسخ به این سؤال شکل گرفته که: تکامل نگاشته‌های حدیثی، چه فرایندی را پیموده‌اند تا به صورت کتب اربعه، و به اصطلاح «جوامع حدیثی متقدم»، درآمدند؟ بنا بر این، به کاوش در کتب تراجم و رجال پرداخته شد تا کتبی که با عنوان «الجامع» نگاشته شده‌اند، شناسایی شوند. در این میان، عناوین دیگری نظیر: «الفقه المکمل»، «ثلاثین کتب»، «النوادر» و حتی «مشیخه» یافت شد که ویژگی

\* استاد دانشگاه فردوسی مشهد.

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد.

اصلی کتب جوامع، یعنی «تبویب بر اساس موضوعات فقهی» را دارا بود. از این‌رو، این گونه کتب نیز در زمره جوامع محسوب گردید.

یکی از دلایلی که به ما اجازه می‌دهد تا «کتب ثلاثین» را از جمله کتب جوامع برشماریم، تبویب کتاب *الکافی* است که به تقلید از «کتب ثلاثین» پیشین، نظیر کتاب حسین بن سعید، در سی کتاب، تنظیم شده است. شیخ طوسی در توصیف شیخ کلینی می‌نویسد:

له کتب منها: *الکافی* یشتمل علی ثلاثین کتابا أوله کتاب العقل و فضل العلم، و کتاب التوحید، و کتاب الحجّة... و کتاب الروضة آخر کتاب *الکافی*.<sup>1</sup>

### پیشینه پژوهش

پیش از این پژوهش، سلسله مقالاتی با عنوان «تحقیق درباره کتاب *الکافی*» به خامه آیة الله محمد واعظ زاده خراسانی در ماهنامه *نامه آستان قدس* به چاپ رسیده است.<sup>2</sup> در آن مقاله‌های پیاپی، شماری چند از جوامعی که پیش از *الکافی*، به رشته تألیف در آمده‌اند، معرفی شده است. این پژوهش، با الهام از آن نوشتار و برای تکمیل و توسعه آن، انجام شده است.

### معنای جامع

پیش از معرفی جامع‌نویسان پیش از کلینی، از باب مقدمه، لازم است که معنای «جامع» را در لغت و اصطلاح بازگوییم.

### یک. جامع در لغت

جامع در زبان عربی، بر مفهیمی که در آنها جامعیت و احاطه‌ای وجود دارد، اطلاق می‌شود. مسجدی را که در آن، نماز جمعه برپا می‌گردد، از لحاظ گردآمدن شمار بیشتری از مردم در آن، «المسجد الجامع» می‌خوانند. سخنی را که لفظ آن، اندک و معنایش بسیار باشد، «الكلام الجامع»، «جوامع الکلم» و «کلمه جامعه» می‌گویند. روز جمعه را هم - که هنگام اجتماع مردم است - «اليوم الجامع» می‌گویند. به دیگ بزرگ هم «قِدْرُ جامعه» گویند. غُلُ (بند و زنجیر آهنین) را هم «الجامعه» خوانند؛ زیرا دستان زندانی را به گردنش می‌بندد<sup>3</sup> و به تازگی دانشگاه را هم از آن جهت که رشته‌های گوناگون دانش را در بر می‌گیرد «جامعه» نامیده‌اند.<sup>4</sup>

۱. رجال الطوسی، ص 210.

۲. ر.ک: *نامه آستان قدس*، ش 2 - 12، دی 1339 - خرداد 1341.

۳. *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة*، ماده جمع.

۴. *المعجم الوسیط*، ماده جمع.

## دو. جامع در اصطلاح

جامع - که جمع آن جوامع است - در اصطلاح، کتاب حدیثی را می‌گویند که در آن، احادیث، بر اساس موضوعات فقهی، تنظیم شده باشد.<sup>5</sup> به عبارت دقیق‌تر، جامع در اصطلاح حدیث‌شناسان، کتابی است که احادیث و ابواب آن، تمام یا اهمّ موضوعات دینی را در بر می‌گیرد. برخی، شمار ابواب (یا سرعنوان‌های) اصلی این موضوعات را هشت عنوان دانسته‌اند: عقاید، احکام، تاریخ و سیر، آداب خوردن و آشامیدن، تفسیر، فتن و اشراف السّاعه، شمایل یا باب سفر و نشستن و برخاستن، مناقب و مثالب.<sup>6</sup> در واقع باید گفت، محققان مسلمان، از گستردگی و فراگیری این واژه بهره برده‌اند و آن دسته از کتاب‌های خود را که در موضوع خود، جامع الأطراف و در بردارنده همه یا بیشتر مسائل وابسته به آن موضوع بوده، «جامع» خوانده‌اند. گاه نیز با ترکیب وصفی یا اضافی، مثلاً گفته‌اند: «جامع الصحیح» یا «جامع الأحکام» و گاهی نیز بی‌آن که خود این واژه را به کار گیرند، با عناوینی چون: «الکافی» و «الوافی» به این فراگیری اشاره کرده‌اند.

## آغاز جامع‌نویسی

آنچه امروزه به عنوان «جوامع روایی متقدّم» شهرت دارد، همان کتب اربعه یعنی *الکافی*، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، *تهذیب الأحکام* و *الاستبصار* است؛ اما این که این چهار کتاب را به طور مطلق، به عنوان نخستین جوامع روایی محسوب کنیم، مطلبی بر خلاف حقیقت است؛ چون این کتب، حاصل گردآوری اصول و جوامع متقدّم است. از مرحوم آیه الله آقا حسین طباطبایی بروجردی نقل شده که وی از کتب مورد بحث به «جوامع اولیه» و از کتب اربعه به «جوامع ثانویه» یا «جوامع اخیر» (نسبت به آن جوامع، نه نسبت به جوامع تدوین شده در قرن یازده و دوازده هجری) یاد می‌کرده‌اند.<sup>7</sup>

از سرگذشت جوامع و تعداد آنها اطلاع دقیقی در دست نیست؛ زیرا در این زمینه، به اصطلاح مورخان، مطالعه بر اساس متون<sup>8</sup> نیست، بلکه بر اساس اثر و ردّپایی است که از آثار متقدّمان، بر جای مانده است.<sup>9</sup> از این رو، هرگونه اظهار نظر درباره محتوای این کتب، افزون بر آن که مطالعه‌ای گسترده در منابع روایی متقدّم و متأخّر را می‌طلبد، دقیق نخواهد بود.

## معرفی جامع‌نویسان پیش از کلینی

1. *الجامع فی الفقه*، ثابت بن هرمز ابی المقدم، از راویان زیدی مذهب<sup>10</sup> امام زین

5. معجم مصطلحات الرجال و الدرّایة، ص 50.

6. منهج النقد، ص 199.

7. «تحقیق درباره کتاب الکافی»، محمد واعظزاده خراسانی، نامه آستان قدس، ش 7، ص 12.

8. Text study.

9. Trace study.

10. معجم رجال الحدیث، ج 4، ص 41.

العابدین □. <sup>11</sup> این کتاب، بر اساس موضوعات فقه تنظیم شده <sup>12</sup> و آن را از امام چهارم □ روایت کرده است. <sup>13</sup> رجال شناسان شیعه، ثابت بن هرمز را مورد اعتماد ندانسته و او را مهممل و ضعیف معرفی کرده‌اند؛ <sup>14</sup> اما رجالیان اهل سنت، وی را توثیق کرده‌اند. <sup>15</sup>

**2. الجامع فی سائر ابواب الحرام و الحلال،** ظریف بن ناصح کوفی، از اصحاب امام باقر □. <sup>16</sup> او در بغداد می‌زیسته و تا پس از سال دویست هجری، در قید حیات بوده است. <sup>17</sup> رجال شناسان، او را ثقه و صدوق دانسته‌اند. <sup>18</sup> از دیگر آثار وی، *النوادر، الادیات و الحدود* است که نجاشی به چهار واسطه از آنها روایت می‌کند. <sup>19</sup> آقابزرگ تهرانی، از جمله آثار او، «اصلی» را بر می‌شمرد که از اصول مورد اعتماد بوده و در جوامع حدیثی و فقهی، روایاتی از آن نقل گردیده است و آن گونه که احتمال داده‌اند، اصل مذکور، همان کتاب *الادیات* وی است؛ <sup>20</sup> اما درباره «جامع» او آگاهی‌ای در دست نیست.

**3. کتاب مبوب فی الحلال و الحرام،** محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی (م 148 ق)، مشهورترین فقیه خاندان آل ابی شعبه <sup>21</sup> و از فقهای برجسته کوفه. نجاشی وی را ثقه دانسته است. <sup>22</sup> از آثار دیگر او کتاب *التفسیر* است <sup>23</sup> که ابن عقده (م 333 ق) به دو واسطه از آن روایت می‌کند. <sup>24</sup> در واقع، بخش عمده کتاب عبد الله بن مسکان، درباره حلال و حرام، از کتاب مبوب حلبی بوده که ابن مسکان، نکاتی را به آن افزوده است. <sup>25</sup>

**4. جامع <sup>26</sup> یا اصل،** عبید الله بن علی بن ابی شعبه حلبی (م 148 ق)، بزرگ خاندان آل ابی شعبه <sup>27</sup> و از شخصیت‌های برجسته کوفه در میانه قرن دوم که به سبب روابط تجاری با حلب، نسبت حلبی داشتند. <sup>28</sup> گفته‌اند این اثر، نخستین کتاب فقهی منظم و جامع است که در شیعه تألیف شده <sup>29</sup> و

۱۱. رجال الطوسی، ص ۱۱۱.
۱۲. مدخل إلی علم الفقه، ص ۳۲.
۱۳. رجال النجاشی، ص ۱۱۷.
۱۴. رجال ابن داود، ص ۶۰.
۱۵. الجرح و التعذیل، ج ۲، ص ۴۵۹.
۱۶. رجال الطوسی، ص ۱۳۸.
۱۷. الذریعة، ج ۲، ص ۱۶۰.
۱۸. رجال النجاشی، ص ۲۰۹؛ خلاصة الأقوال، ص ۱۷۳.
۱۹. همان.
۲۰. الذریعة، ج ۲، ص ۱۵۹.
۲۱. معجم رجال الحدیث، ج ۲۴، ص ۱۰۱.
۲۲. رجال النجاشی، ص ۳۲۵.
۲۳. همان.
۲۴. الذریعة، ج ۴، ص ۲۴۰.
۲۵. رجال النجاشی، ص ۲۱۴.
۲۶. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۶۹.
۲۷. الفوائد الرجالیة، ج ۱، ص ۲۲۰.
۲۸. رجال النجاشی، ص ۲۳۰.

دارای ابواب مختلف فقهی بوده است.<sup>30</sup> این کتاب، از زمره مصنفات به شمار می‌رود و اطلاق اصل، به جهت اعتماد به آن و نیز عرضه بر امام صادق ع و تمجید آن حضرت بوده است.<sup>31</sup>

قاضی نعمان، از آن، با عنوان «جامع حلبی» یا «الکتاب المعروف بالجامع» یاد می‌کند و تمامی آن را در *الایضاح* آورده است.<sup>32</sup> رایج‌ترین نسخه آن را ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان، از مؤلف، روایت کرده است.<sup>33</sup> این کتاب تا دوره‌های متأخرتر، در دسترس بوده و نزدیک به هزار روایت از آن در کتب اربعه، نقل گردیده است.<sup>34</sup>

گفتنی است که جمعی از امامیه در میافارقین (شهری کهن در بین‌النهرین، نزدیک دیار بکر) از شریف مرتضی (م 436 ق) پرسیدند که در مسائل شرعی، به کدام‌یک از این کتب استناد کنند: رساله علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، کتاب شلمغانی یا جامع حلبی؟ او در پاسخ گفت:  
کتاب ابن بابویه و حلبی را باید بر کتاب شلمغانی ترجیح داد.<sup>35</sup>

**5. الجامع**<sup>36</sup>، معمر بن راشد صنعانی بصری (م 153 یا 150 ق)،<sup>37</sup> از یاران امام صادق ع.<sup>38</sup> وی اولین کسی است که در یمن، به تألیف و تصنیف پرداخت<sup>39</sup> و از جمله نویسندگان مغازی نیز به شمار می‌رود.<sup>40</sup> از روایان او، عبد الرزاق صنعانی و فضل بن دکین هستند.<sup>41</sup> برخی درباره امامی بودن او تشکیک کرده و او را از رجال عامه دانسته‌اند.<sup>42</sup> با این حال، وصف روشنی از شرح حال و کتب وی در دست نیست.

**6. کتاب فی الحلال و الحرام**، مسعدة بن زیاد ربعی (زنده در میانه قرن دوم)، از روایان موثق امام صادق ع. این کتاب، به صورت موضوعی در ابواب فقه نوشته شده و عبد الله بن جعفر حمیری، از طریق هارون بن مسلم، آن را نقل کرده است.<sup>43</sup> شیخ آقا بزرگ تهرانی، این کتاب را همان «اصل» مسعدة بن زیاد معرفی می‌نماید<sup>44</sup> و ابن طاووس از آن، با عنوان «کتاب» یاد می‌کند.<sup>45</sup>

۲۹. *رجال البرقي*، ص 23.

۳۰. *رجال النجاشي*، ص 366. نجاشی در توصیف کتاب محمد بن عبد الله بن عمرو می‌گوید: «له نسخة تشبه كتاب الحلبي مبنوة كبيرة».

۳۱. *الفهرست*، طوسی، ص 174: *الذريعة*، ج 26، ص 48.

۳۲. *میراث مکتوب شیعه*، ص 447.

۳۳. *الفهرست*، طوسی، ص 174: *رجال النجاشي*، ص 231.

۳۴. *میراث مکتوب شیعه*، ص 448.

۳۵. *جوابات المسائل الميافارقيات*، ص 279، رسائل الشریف المرتضی، المجموعة الأولى.

۳۶. *الفائق في رواية و أصحاب الإمام الصادق*، ج 3، ص 278.

۳۷. *الطبقات الكبرى*، ج 5، ص 546.

۳۸. *رجال الطوسي*، ص 307.

۳۹. *تذكرة الحفاظ*، ج 1، ص 191.

۴۰. *الفائق في رواية و أصحاب الإمام الصادق*، ج 3، ص 278.

۴۱. *مستدرکات علم رجال الحديث*، ج 7، ص 464.

۴۲. *قاموس الرجال*، ج 10، ص 174.

۴۳. *رجال النجاشي*، ص 415.

۴۴. *الذريعة*، ج 2، ص 166.

7. **الجامع فی الفقه**، حسن بن صالح بن حی (م 168 ق)، از اعلام زیدیه و فقیه و متکلم برجسته کوفه. وی معاصر چهار امام شیعه (امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا (ع)) بوده<sup>46</sup> و علامه حلی، او را از اصحاب امام باقر (ع) برشمرده است.<sup>47</sup> شیخ طوسی، حدیث او را از طریق حسن بن محبوب دریافت کرده است؛ ولی روایاتی از ابن حی به نقل از صادقین (ع) یافت می‌شود که به طریقی غیر از حسن بن محبوب، روایت شده است.<sup>48</sup> اهل سنت، او را ثقه دانسته و حدیثش را پذیرفته‌اند.<sup>49</sup>

از متقدمان، ابن ندیم، تنها کسی است که به جامع ابن حی اشاره کرده<sup>50</sup> و در منابع شیعی، وی را از صاحبان اصول برشمرده است؛<sup>51</sup> اما چنان که سید محسن امین، احتمال داده،<sup>52</sup> شاید این کتاب، همان اصل منقول از او باشد و آگاهی دیگری از اصل و یا جامع او در اختیار نیست.

8. **کتاب المبوب فی الحلال و الحرام**، ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی سمعان مدنی (م 184 ق). وی - که از موالی بنو اسلم بوده - از اصحاب خاص امام صادق (ع) به شمار می‌رود.<sup>53</sup> از ابن رو، اهل سنت، وی را تضعیف کرده‌اند؛<sup>54</sup> جز آن که شافعی - که از شاگردان او بوده -<sup>55</sup> وی را توثیق نموده است.<sup>56</sup>

افزون بر اثر پیش گفته - که ظاهراً بر اساس موضوعات فقهی بوده -، وی کتاب بزرگی در حدیث داشته که چندین برابر **الموطأ** مالک بن انس بوده است.<sup>57</sup>

9. **کتاب مبوب فی الحلال و الحرام**، یعقوب بن سالم احمر کوفی (یعقوب احمر<sup>58</sup>) (زنده در سال 183 ق).<sup>59</sup> وی پارچه‌فروش<sup>60</sup> و از راویان موثق امام صادق (ع) بوده است.<sup>61</sup> این کتاب را برادرزاده او، علی بن اسباط، روایت کرده است؛<sup>62</sup> اما آگاهی بیشتری از وی و آثارش در دست نیست.

۴۵. کتابخانه ابن طاووس، ص 205.

۴۶. **أعیان الشیعة**، ج 5، ص 119.

۴۷. **خلاصة الأقوال**، ص 337.

۴۸. ر. ک: **میراث مکتوب شیعه**، ص 313.

۴۹. **سیر اعلام النبلاء**، ج 7، ص 367. برای آگاهی بیشتر درباره شخصیت ابن حی، ر. ک: **اعیان الشیعة**، ج 5، ص 119 - 123.

۵۰. **الفهرست**، ابن ندیم، ص 227.

۵۱. ر. ک: **الفهرست**، طوسی، ص 100؛ **معالم العلماء**، ص 70.

۵۲. **أعیان الشیعة**، ج 5، ص 123.

۵۳. **رجال النجاشی**، ص 14؛ **الفهرست**، طوسی، ص 34.

۵۴. **الطبقات الكبرى**، ج 5، ص 425؛ **الضعفاء و المتروکین**، ص 146؛ **تهذیب الکمال**، ج 2، ص 184 - 191.

۵۵. **التبیین لأسماء المدلسین**، ص 14؛ **طبقات المدلسین**، ص 52.

۵۶. **الکامل**، ج 1، ص 225.

۵۷. همان.

۵۸. ر. ک: **معجم رجال الحدیث**، ج 21، ص 144 - 147.

۵۹. **الفائق فی رواة و اصحاب الإمام الصادق (ع)**، ج 3، ص 455.

۶۰. **معجم رجال الحدیث**، ج 21، ص 137.

۶۱. **رجال النجاشی**، ص 449.

۶۲. همان.

**10. کتاب موبّ فی الحلال و الحرام، ابومحمّد غیاث بن ابراهیم تمیمی دارمی اسیدی بصری.** وی ساکن کوفه و از روایان موثق امام صادق و امام کاظم  $\square$  بوده است.<sup>63</sup> از این راوی، با عناوین مختلفی نظیر: اسیدی، رزامی، دارمی و نخعی کوفی<sup>64</sup> یاد شده که شاید همه از یک فرد حکایت می‌کند؛<sup>65</sup> اما غیاث بن ابراهیم بتری - که ابن داوود، وی را فاسد العقیده دانسته -<sup>66</sup> غیر از نگارنده جامع یاد شده است.<sup>67</sup>

چنان که از عنوان این کتاب آشکار است، کتابی موبّ در موضوعات فقهی است که ابن شهر آشوب از آن با عنوان «جامعه»<sup>68</sup> و ابن طاووس با عنوان «کتاب» یاد می‌کند.<sup>69</sup> اسماعیل بن ابان بن اسحاق،<sup>70</sup> محمد بن یحیی الخزاز و نیز حسن بن علی لؤلؤی،<sup>71</sup> روایان این کتاب بوده و روایاتی از آن در کتب حدیثی شیعه آمده است.

**11. کتاب موبّ فی الفرائض، رفاعه بن موسی اسدی کوفی (رفاعه نخاس)،** از روایان موثق امام صادق و امام کاظم  $\square$ .<sup>72</sup> گفته شده که وی پس از امام کاظم  $\square$  به واقفه پیوست؛ اما پس از مدتی، از آن راه برگشت.<sup>73</sup>

این کتاب را - که به صورت موضوعی تدوین شده است - شماری از روایان، نظیر: محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و ابن فضال روایت کرده‌اند.<sup>74</sup>

**12. الجامع الكبير فی الفقه، یونس عبد الرحمان (م 208 ق)** معروف به مولی آل یقطین.<sup>75</sup> از سال ولادت او اطلاع دقیقی در دست نیست، جز آن که گفته‌اند که وی در روزگار هشام بن عبدالملک، چشم به جهان گشود.<sup>76</sup> وی امام صادق  $\square$  را در حرمین شریفین ملاقات کرده، اما موقّ به شنیدن حدیث از آن بزرگوار نشده است؛<sup>77</sup> بلکه او از امام کاظم و امام رضا  $\square$  حدیث نقل کرده،<sup>78</sup> به طوری که از

۶۳. رجال النجاشی، ص 305؛ رجال الطوسی، ص 268.

۶۴. رجال البرقی، ص 42. کتب اهل سنت، از شخصی به نام ابو عبد الرحمان غیاث بن ابراهیم نخعی کوفی سخن گفته و وی را تضعیف کرده‌اند؛ اما با عنایت به تفاوت کنیه راوی یاد شده با راوی مورد نظر ما، می‌توان حدس زد که وی غیر از غیاث بن ابراهیم شیعی است. رک: التاریخ الكبير، ج 7، ص 109؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 337؛ الجرح و التعديل، ج 7، ص 57.

۶۵. رک: میراث مکتوب شیعه، ص 280.

۶۶. رجال ابن داوود، ص 265.

۶۷. معجم رجال الحديث، ج 14، ص 252.

۶۸. معالم العلماء، ص 124.

۶۹. کتابخانه ابن طاووس، ص 356.

۷۰. رجال النجاشی، ص 305.

۷۱. الفهرست، طوسی، ص 196.

۷۲. رجال النجاشی، ص 166.

۷۳. معجم رجال الحديث، ج 8، ص 204. واقفه، گروهی از شیعیان هستند که با دعوی این که امام کاظم  $\square$  امام قائم منتظر است، بر امامت او توقف کردند و امامت امامان بعدی را نپذیرفتند. رک: مقياس الهداية، ص 141.

۷۴. الفهرست، طوسی، ص 129.

۷۵. رجال البرقی، ص 49؛ رجال الطوسی، ص 336.

۷۶. رجال النجاشی، ص 446.

۷۷. اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 780 و 783.

۷۸. رجال النجاشی، ص 448؛ رجال الطوسی، ص 336 و 368.

برجسته‌ترین راویان آنان به شمار آمده و حتی وثاقت و جلالش، به تأیید ایشان رسیده است.<sup>79</sup> وی از محضر استادان بزرگی چون: عبد الله بن سنان، عبد الله بن مسکان، هشام بن حکم، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، علی بن رئاب و حارث بن مغیره، بهره برده است.<sup>80</sup>

یونس بن عبد الرحمان، یکی از راویانی است که هم در مدح و هم در ذم او گزارش‌های بسیاری در دست است. رجال‌شناسان، گزارش‌های حاکی از ذم او را که بیشتر از جانب قمیان نقل شده،<sup>81</sup> مردود می‌شمارند و سند آنها را صحیح نمی‌دانند.<sup>82</sup> ابو عمرو کثی - که این گزارش‌ها را در کتاب رجال خویش آورده -، خود با موازین عقلی، به نقد روایات جرح پرداخته و در نتیجه، همه را مخدوش شمرده است.<sup>83</sup> از این رو، با اطمینان می‌توان گفت که یونس بن عبد الرحمان، راوی ثقه و جلیل القدر و یکی از اصحاب اجماع است<sup>84</sup> که روایات او مورد تأیید است.<sup>85</sup>

چنین به نظر می‌رسد که روایات ذم درباره یونس، تا حدی با داستان مقاومت وی در مقابل جریان واقفه، سازگار باشد؛ چرا که آنان، زمانی که از همراه ساختن یونس با خود نومید شدند، او را به باد تکفیر و تفسیق گرفتند یا آن که این روایات را در زمان امام هفتم رواج دادند تا چهره یونس بن عبد الرحمان را مخدوش نمایند.<sup>86</sup> شاید یکی دیگر از دلایل انتقاد قمیان از یونس بن عبد الرحمان، انتساب فرقه‌ای از غلات به نام «یونسیه» به وی باشد<sup>87</sup> که به دلیل موضعگیری شدید محدثان قم در برابر اندیشه‌های غالیان، یونس بن عبد الرحمان نیز مورد هجمه انتقادات آنان قرار گرفته باشد.<sup>88</sup> شاید بتوان نگارش کتاب *الرد علی الغلات* را نشانی از همراهی وی با قمیان و هم‌رأیی او با آنان دانست.

اگرچه این محدث را بدان سبب که بخشی از فعالیت او در قم بوده است، قمی شمرده‌اند،<sup>89</sup> اما از منظر آرا و اندیشه‌هایش، از محدثان مکتب عقل‌گرای بغداد به شمار می‌آید. اگر بهره‌گیری از استدلال‌های عقلی در مناظرات کلامی را یکی از ویژگی‌های مکتب حدیثی بغداد به شمار آوریم، باید یونس بن عبد الرحمان را - که از چهره‌های بارز این مناظرات<sup>90</sup> و از شاگردان متکلم معروف هشام بن حکم بوده است - از محدثان عقل‌گرای بغداد به حساب آورد.

بنا بر این، مقابله حدیث‌گرایان قم، با آرا و اندیشه‌های وی می‌تواند نشانی از گرایش یونس، به مسائل

۷۹. *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 779 - 785؛ *معجم رجال الحديث*، ج 21، ص 212 - 220.  
 ۸۰. *معجم رجال الحديث*، ج 21، ص 229.  
 ۸۱. *رجال الطوسي*، ص 336 و 368.  
 ۸۲. *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 785 - 788. درباره نقد سندی این گزارش‌ها ر.ک: *التحریر طاووسی*، ص 624 - 633؛ *معجم رجال الحديث*، ج 21، ص 220 - 226.  
 ۸۳. *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 788.  
 ۸۴. همان، ص 830.  
 ۸۵. *رجال الطوسي*، ص 336؛ *خلاصة الأقوال*، ص 297.  
 ۸۶. «تحقیق درباره کتاب کافی»، *نامه آستان قدس*، ش 7، ص 17.  
 ۸۷. *الأنساب*، ج 5، ص 711؛ *الملل و النحل*، ج 1، ص 188. درباره رد این اتهام ر.ک: *التغذیر*، ج 3، ص 142.  
 ۸۸. برای آگاهی از نمونه‌های برخورد قمی‌ها با غالیان یا راویان احادیث غلو آمیز، ر.ک: *مکتب حدیثی قم*، ص 386 به بعد.  
 ۸۹. *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 779.  
 ۹۰. ر.ک: «مناظرات مذهبی شیعه»، *مقالات فارسی*، ش 49 کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.



عقلی باشد. افزون بر آن، نگارش کتاب *اختلاف الحدیث و علل الحدیث* از سوی یونس بن عبدالرحمان، می‌تواند حاکی از مبارزه علمی او با قشری‌نگری قمیان و پذیرش احادیث صحیح و سقیم از سوی آنان باشد.

از نشانه‌های عظمت شخصیت علمی یونس بن عبدالرحمان، کتاب‌ها و تصنیفاتی است که از او به جای مانده است؛ به طوری که فضل بن شاذان، درباره او بر این باور است که بالغ بر یک هزار کتاب در ردّ مخالفان شیعه، تألیف کرده است.<sup>91</sup> اگرچه این رأی، اندکی مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد، اما به هر روی، از تلاش گسترده این محدث بزرگ در عرصه فقه و حدیث حکایت دارد. برخی از آثار او عبارت‌اند از: *کتاب الشرائع، کتاب السهو، الأدب، الزکاة، جوامع الآثار، فضل القرآن، کتاب النکاح، الحدود، الصلوة، العلل الکبیر، اختلاف الحدیث، الرد علی الغلات، کتاب یوم و لیلة*.<sup>92</sup> درباره کتاب اخیر، ابوهاشم جعفری (از یاران برجسته امامان)، می‌گوید:

کتاب *یوم و لیلة* یونس بن عبدالرحمان را نزد امام عسکری  $\square$  بردم. حضرت به دقت در تمام کتاب نگاه کرد و تا آخر آن را ورق زد و فرمود: «آنچه در این کتاب است، دین من و دین پدرانم است؛ تمام این کتاب، حق و حقیقت است».<sup>93</sup>

از جمله آثار دیگر او، افزون بر جامع یاد شده، جوامع دیگری نظیر جامع الآثار و جامع الصغیر است. البته چنان که کلبرگ یادآور شده، ظاهراً شرح حال نویسان، الجامع الصغیر را در زمره آثار یونس یاد نکرده‌اند؛<sup>94</sup> مگر آن که این کتاب را جزئی از *جامع الآثار* چهار جزئی‌ای که ابوغالب زراری از آن یاد کرده، بدانیم.<sup>95</sup>

**13. کتب ثلاثین یا الفقه المکمل**،<sup>96</sup> صفوان بن یحیی (م 210 ق.)، او از اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد  $\square$  بوده و نجاشی، او را با عباراتی نظیر «ثقة ثقة» و «عین» ستوده است.<sup>97</sup> او را همین فخر بس که امام جواد  $\square$  در توصیف او فرمود:

رحم الله اسماعیل بن الخطاب و رحم الله صفوان، فإتھما من حزب آبائی و من کان حزبا أدخله الله الجنة.<sup>98</sup>

صفوان بن یحیی در طبقه سوم اصحاب اجماع - که راویان امام هفتم و امام هشتم  $\square$  هستند - قرار

91. اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 780.

92. رجال النجاشی، ص 447؛ معجم رجال الحدیث، ج 21، ص 210.

93. اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 780.

94. کتابخانه ابن طاووس، ص 328.

95. رساله فی آل عین، ص 58.

96. الذریعة، ج 16، ص 298.

97. رجال النجاشی، ص 197.

98. اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 792.

دارد.<sup>99</sup> وی از چهل تن از اصحاب امام صادق □ روایت نموده است.<sup>100</sup> شرح حال نگاران، او را همانند حسین بن سعید، صاحب تصانیف بسیار می‌دانند و شماره آثار او را سی کتاب برشمرده‌اند. از مجموع کتبی که تا زمان نجاشی در دسترس بوده، فصول ذیل شناخته شده است: کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب الزکاة، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب الفرائض، کتاب الوصایا، کتاب الشری و البیع، کتاب العتق و التدبیر، کتاب البشارات و النوادر.<sup>101</sup>

**14.** نوادر، ابو احمد محمد بن ابی عمیر زبید بن عیسی (م 217 ق)، از موالی مهلب بن ابی صفره.<sup>102</sup> او از موثق‌ترین افراد مورد اعتماد شیعه و اهل سنت<sup>103</sup> و از اصحاب اجماع<sup>104</sup> به شمار می‌رفته است. وی امام کاظم □ را درک نموده و با امام رضا و امام جواد □ مصاحبت داشته است.<sup>105</sup> با توجه به خفقان حاکم بر جامعه و موقعیت او در بین طایفه امامیه، او را مورد اهانت و حبس قرار دادند و اموالش را - که تا حدود پانصد هزار درهم بود - به تاراج بردند.<sup>106</sup>

ابن ابی عمیر، نزد جمع بسیاری از اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا □ به استماع و ضبط روایت پرداخت. برخی از بزرگان، تعداد کسانی را که او از آنان روایت نقل کرده است، تا 410 نفر ذکر کرده‌اند.<sup>107</sup>

اگرچه مشایخ او هم از علمای شیعه و هم از علمای اهل سنت بوده‌اند، اما فضل بن شاذان از پدر خود نقل می‌نماید که به ابن ابی عمیر گفتم: تو مشایخ و بزرگان اهل سنت را دیده‌ای؛ اما چگونه از آنان حدیثی شنیده‌ای؟ گفت: از آنان حدیث شنیده‌ام، اما چون می‌بینم که بسیاری از شیعیان، علوم خاصه و عامه را شنیده و آنان را با هم آمیخته‌اند و حدیث یکی را به دیگری نسبت می‌دهند، من نخواستم چنین اشتباهی بکنم؛ بنا بر این، از احادیث اهل سنت، صرف نظر کردم و به احادیث اهل بیت □ اکتفا نمودم.<sup>108</sup>

علاقه و اهتمام وی به روایات امامان □ به حدی بود که کتاب‌های روایی بسیاری را تدوین کرد؛ به طوری که تعداد آنها را 94 کتاب ذکر کرده‌اند.<sup>109</sup> پاره‌ای از آن کتاب‌ها در کتب نجاشی و شیخ طوسی، فهرست شده‌اند؛ اما چون هفده سال را در حبس بوده و در این مدت، خواهرش و به روایتی خود او، کتاب‌ها را در زیر خاک پنهان کرده بود، همه آنها در زیر باران، از بین رفته‌اند.<sup>110</sup> او پس از آن توانست

۹۹. همان، ص 830.

۱۰۰. الفهرست، طوسی، ص 145.

۱۰۱. رجال النجاشی، ص 198؛ الفهرست، ابن ندیم، ص 278.

۱۰۲. رجال النجاشی، ص 326.

۱۰۳. همان.

۱۰۴. اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 830.

۱۰۵. الفهرست، طوسی، ص 218.

۱۰۶. اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 856.

۱۰۷. کلیات فی علم الرجال، ص 216.

۱۰۸. اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 855.

۱۰۹. رجال النجاشی، ص 327.

۱۱۰. همان، ص 326.

فقط آنچه را در حافظه داشته، در چهل کتاب و بدون سند، با عنوان *النوادر* گرد آورد<sup>111</sup> که شیخ طوسی این مجموعه را کتاب نیکویی توصیف می‌نماید.<sup>112</sup>

اکنون از آن صحابی امام و محدث گران قدر، بیش از چهار هزار و هفتصد روایت در کتب روایی در زمینه‌های مختلف، مانند: تفسیر، فقه و کلام وجود دارد.<sup>113</sup> ابن ابی عمیر، علاوه بر آن که روایات فقهی بی‌شماری در جای جای ابواب فقهی از خود به یادگار گذاشته، روایت‌های بسیاری درباره مسائل کلامی نقل کرده است.

بسیاری از دانشمندان اسلامی، نظیر: نجاشی، شیخ طوسی، شیخ بهایی، شیخ انصاری و امام خمینی □، مراسلات ابن ابی عمیر را در حکم مسند دانسته و به آنها اعتماد کرده‌اند.<sup>114</sup> علامه مامقانی (م 1351 ق) در این باره می‌گوید:

محمد بن ابی عمیر، تنها کسی است که تمامی علمای شیعه [در طول قرون گذشته] روایات مرسل او را پذیرفته و آنها را مانند روایات مسند، معتبر دانسته‌اند؛ اگرچه درباره برخی [از اصحاب ائمه □] نیز این مطلب را گفته‌اند، لیکن گوینده آن، عده‌ای معدود بوده‌اند و درباره آنها به مانند آنچه که درباره ابن ابی عمیر گفته‌اند، اتفاق نظر وجود نداشته است.<sup>115</sup>

اما با این حال، برخی، همچون: محقق اردبیلی، محقق حلی و آیه الله خویی □، به دلیل انکار حجیت احادیث مرسل، مراسلات ابن ابی عمیر را نیز نپذیرفته‌اند.<sup>116</sup>

### 15. المشیخه، ابوعلی حسن بن محبوب بن وهب بن جعفر بجلی (م 234 ق) معروف به سرآد.<sup>117</sup>

حسن بن محبوب، از بزرگان رجال شیعه و راویان نامور است. موالی و نیاکانش، از ایالت سِند هندوستان بوده‌اند و جدّ اعلاش وهب، از برده‌های جریر بن عبد الله بجلی، صحابی مشهور بود که در سال 51 هجری، بدرود حیات گفته است.

وهب، در هنر زره‌بافی، استاد بوده است. از این روی، به وی «سرآد» و یا «زرآد» می‌گفته‌اند و این لقب بر همه نسل وی بر جای ماند. وی در اواخر سال 234 ق، در حدود 75 سالگی، دار فانی را وداع کرده است.

رجال‌شناسان، وی را ثقه و جلیل‌القدر دانسته‌اند. او آثار فراوانی داشته است، از جمله: *کتاب المشیخه*، *کتاب الحدود*، *کتاب الديات*، *کتاب الفرائض*، *کتاب النکاح*، *کتاب الطلاق*، *کتاب النوادر* - که حدود هزار صفحه بوده -، *کتاب*

۱۱۱. *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 854.

۱۱۲. *الفهرست*، طوسی، ص 218.

۱۱۳. *معجم رجال الحديث*، ج 22، ص 101.

۱۱۴. *نهاية الدراية*، ص 269؛ *فرائد الأصول*، ج 1، ص 159؛ *رجال النجاشي*، ص 228؛

*المكاسب المحرمة*، امام خمینی، ج 1، ص 285 به نقل از *دانش درایة الحديث*، ص 177 - 179.

۱۱۵. *تنقیح المقال*، ج 2، ص 63.

۱۱۶. رک: «بررسی حجیت مراسیل ابن ابی عمیر»، *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، ش 1.

۱۱۷. سرگذشت حسن بن محبوب تماماً از مقاله جناب استاد آقای محمد باقر بهبودی اقتباس شده است. رک: «حسن بن محبوب

کوفی»، *فصل‌نامه فقه*، ش 11 - 12، فروردین 1376.

**التفسیر، کتاب العتق و...**

شیخ طوسی، حسن بن محبوب را از ارکان چهارگانه زمان خود می‌شمارد؛ اما از دیگر ارکان چهارگانه آن عصر، نامی نمی‌برد. گویا دیگر ارکان چهارگانه، عبارت بودند از: حسن بن فضال، صفوان یحیی و ابن ابی عمیر.

در میان آثار ابن محبوب، مهم‌تر از همه، **المشیخه** اوست. ابن محبوب در این نگاشته، تمامی استادان و مشایخ خود را (شاید به ترتیب زمان دیدار) می‌آورد و آنچه از آنان با سماع و اجازه روایت کرده است، در زیر نام هر یک یادآور می‌شود که پس از بررسی همه سویه، روشن شده که در بین صد تن از استادان و مشایخ وی، شصت تن، از شاگردان امام صادق  $\square$  بوده‌اند.

ابو جعفر احمد بن حسین بن عبد الملک، از شاگردان مورد اعتماد ابن محبوب است. وی وقتی متوجه می‌شود که **المشیخه** بسیار گران‌بهای حسن بن محبوب، کاستی‌هایی دارد، دست به اصلاح آن می‌زند و نام مشایخ ابن محبوب را به ترتیب حروف الفبا سامان می‌دهد و روایات یکایک آنان را بی‌کم و کاست، در زیر نام هر یک می‌آورد تا بازیابی نام مشایخ آسان شود. بعدها شیخ طوسی و نجاشی، باب‌بندی وی را ستوده‌اند و چنان می‌نمایند که از آن تاریخ به بعد، همین نسخه باب‌بندی شده‌ای - که به گونه **المعجم الکبیر**، به بازار وراقان راه یافت - با استقبال اهل فن روبه‌رو شد و سبب شد که نسخه‌های باب‌بندی نشده، از دور خارج بشوند و متروک بمانند. از این روی، در عصر شیخ طوسی، تنها نسخه باب‌بندی شده، مورد سماع و قرائت قرار می‌گرفته و شیخ طوسی در پرداختن کتاب **تهذیب الأحکام و الاستبصار** خود، از همین نسخه، بهره‌برداری می‌کرده است. وی در آخر **تهذیب الأحکام و الاستبصار** می‌نویسد:

آنجا که من حدیثی را از مشیخه ابن محبوب استخراج کرده‌ام، آن حدیث را به وسیله استادم احمد بن عبدون، از علی بن محمد بن زبیر، از احمد بن حسین بن عبد الملک آزادی روایت می‌کنم. همچنین استادان دیگری مشیخه ابن محبوب را برای من روایت کرده‌اند.<sup>118</sup>

پس از تدوین، باب‌بندی و دسته‌بندی مشیخه ابن محبوب، این سبک تدوین و باب‌بندی، الگوی دیگران قرار گرفت. از جمله، سلیمان بن احمد بن ایوب طبرانی (260 - 360 ق)، **المعجم الکبیر** خود را با الگوگیری از **مشیخه** ابن محبوب نگاشت.

**مشیخه** ابن محبوب، یک بار دیگر هم باب‌بندی و دسته‌بندی شده است. البته این بار، به گونه کتاب‌های فقهی، از کتاب طهارت آغاز و به کتاب دیات و نوادر، پایان پذیرفته است. این باب‌بندی و دسته‌بندی، به دست ابوسلیمان داوود بن کوره قمی، از مشایخ کلینی، در نیم قرن بعدی انجام پذیرفته است. وی کتاب **النوادر** ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری، رئیس حوزه قم را هم به گونه کتاب‌های فقهی، دسته‌بندی و باب‌بندی کرده است.

اکنون از نسخه‌های *المشیخة* ابن محبوب، کسی اطلاعی ندارد و آخرین خبری که از آن در دست داریم، به زمان شهید ثانی (م 966ق) مربوط می‌شود که وی از *المشیخة* ابن محبوب، حدود هزار حدیث گزینش و به خط خود، رونوشت و نسخه‌برداری می‌کند.<sup>119</sup>

اگرچه *المشیخة* حسن بن محبوب، بر اساس موضوعات فقهی و یا غیر آن می‌بوی نبوده، اما با تبویبی که از سوی شاگردان وی انجام گرفته، می‌توان اثر او را در زمره کتب جوامع محسوب کرد.

### 16. *الجامع فی الحلال و الحرام*، عمرو بن عثمان ثقفی خزازی، از روایان موثق کوفه.<sup>120</sup> از تاریخ

ولادت یا وفات او نشانی در دست نیست، جز آن که احمد بن محمد بن خالد برقی (م 280 ق)، حسن بن علی بن فضال (م 224 ق)<sup>121</sup> و نیز ابراهیم بن هاشم (م. ح 260 ق)<sup>122</sup> از روایان او به شمار می‌روند. بنا بر این، شاید در اواخر قرن دوم و نیمه اول قرن سوم می‌زیسته است. نجاشی، *الجامع* او را کتاب نیکویی دانسته و از آن، به سه واسطه روایت می‌کند.<sup>123</sup> افزون بر این کتاب، اثر دیگر ثقفی، کتاب *النوادر* است که نجاشی از آن نیز روایت می‌کند؛<sup>124</sup> اما از آثار او تاکنون اثری یافت نشده است.

### 17. *الفقه المکمل (ثلاثین کتاباً)*،<sup>125</sup> ابومحمد عبد الله بن مغیره البجلي. این محدث از اصحاب

اجماع و روایان موثق کوفه و در شمار اصحاب امام کاظم  $\square$  است.<sup>126</sup> وی زمانی، از طرفداران واقفه بوده است؛ اما پس از مدتی از آن راه، بازگشته است.<sup>127</sup> او را نگارنده سی کتاب می‌دانند که از آن میان، *کتاب الوضوء و کتاب الصلاة* در دوران نجاشی، شناخته شده است.<sup>128</sup>

### 18. *الجامع*، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی مولی سکونی (م 221 ق). وی امام کاظم، امام

رضا و امام جواد  $\square$  را ملاقات کرده و از خواص یاران ایشان بوده است.<sup>129</sup> افزون بر ائمه  $\square$ ، بزنطی از شیوخی از اصحاب ائمه نیز دانش، آموخته است که می‌توان کسانی چون: عبد الله بن سنان، حماد بن عثمان، جمیل بن دراج، ابان بن عثمان و عاصم بن حمید را از آنان برشمرد. در فهرست شاگردان و روایان او نیز نام شخصیت‌هایی برجسته چون: ابراهیم بن هاشم قمی، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد برقی، حسن بن محبوب و علی بن مهزیار به چشم می‌خورند.<sup>130</sup>

۱۱۹. *أمل الأمل*، ج 1، 86.

۱۲۰. *رجال النجاشی*، ص 287.

۱۲۱. *نقد الرجال*، ج 3، ص 338.

۱۲۲. ر.ک: *الکافی*، ج 3، ص 349؛ ج 4، ص 259 و 376؛ ج 5، ص 367؛ ج 7، ص 206.

۱۲۳. *رجال النجاشی*، ص 287.

۱۲۴. همان.

۱۲۵. *الذریعة*، ج 16، ص 298.

۱۲۶. *رجال النجاشی*، ص 215؛ *رجال الطوسی*، ص 340.

۱۲۷. *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 857.

۱۲۸. *رجال النجاشی*، ص 215.

۱۲۹. *رجال الطوسی*، ص 332، 351، 373.

۱۳۰. *معجم رجال الحدیث*، ج 3، ص 23.

به گفته منابع، وی پس از درگذشت امام کاظم (ع) نخست در شمار قایلان به وقف قرار داشت؛ اما در پی مکاتبه‌ای با امام رضا (ع) به امامت آن حضرت ایمان آورد.<sup>131</sup> رجالیان امامیه، بر اعتبار بزنطی تأکید کرده و او را در شمار اصحاب اجماع آورده‌اند.<sup>132</sup>

شیخ طوسی، او را توثیق کرده،<sup>133</sup> و نجاشی، او را نزد امام رضا و امام جواد (ع)، «عظیم المنزلة» دانسته است.<sup>134</sup>

**الجامع** - که در صدر آثار بزنطی قرار دارد - در بردارنده مجموعه‌ای از معارف اسلامی، بویژه فقه است که تا روزگار محقق حلّی، در دست بوده است، به طوری که وی در کتاب *المعتبر* از آن نقل می‌کرده است.<sup>135</sup> **کتاب المسائل**<sup>136</sup> و **کتاب النوادر** - که از یحیی بن زکریا بن شیبان نقل گردیده - آثار دیگری است که وی به رشته تحریر در آورده است.<sup>137</sup>

**19. الجامع فی الحدیث**، موسی بن القاسم بن معاویة بن وهب البجلی (م. اوایل قرن سوم)، از اصحاب امام رضا (ع).<sup>138</sup> رجال‌شناسان، او را با الفاظی نظیر «ثقة ثقة»، «جلیل»، «واضح الحدیث» و «حسن الطریقه» ستوده<sup>139</sup> و در مقام تشبیه، کتاب او را با «کتب ثلاثون» حسین بن سعید همانند دانسته‌اند.<sup>140</sup> مجموعه مصنفات او عبارت است از: **کتاب الوضوء**، **کتاب الصلاة**، **کتاب الزکاة**، **کتاب الصیام**، **کتاب الحج**، **کتاب النکاح**، **کتاب الطلاق**، **کتاب الحدود**، **کتاب الديات**، **کتاب الشهادات**، **کتاب الأیمان و النذور**، **کتاب أخلاق المؤمن**، **کتاب الجامع**، و **کتاب الأدب**. افزون بر این کتب - که بیشترین آنها در ابواب فقه نگاشته شده - کتاب مسائل الرجال - که درباره هیجده تن از راویان است - از دیگر آثار اوست.<sup>141</sup>

**20. جامع الفقه**، منذر بن محمد بن منذر بن سعید بن ابی الجهم قابوسی. وی از راویان مؤثق<sup>142</sup> امام جواد (ع)<sup>143</sup> و از مشهورترین افراد خاندان بزرگ شیعی «ابی الجهم» بوده که در سده دوم هجری در کوفه می‌زیسته است.<sup>144</sup> افزون بر جامع یاد شده، او تألیفاتی در تاریخ داشته است که عبارت‌اند از:

- ۱۳۱. همان، ص 18.
- ۱۳۲. *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 830.
- ۱۳۳. *رجال الطوسی*، ص 332.
- ۱۳۴. *رجال النجاشی*، ص 75.
- ۱۳۵. ر.ک: *المعتبر*، ج 1، ص 88، 146، 187، 317 و 357؛ ج 2، ص 221، 236 و 263.
- ۱۳۶. *الفهرست*، ابن ندیم، ص 276.
- ۱۳۷. *معجم رجال الحدیث*، ج 3، ص 19.
- ۱۳۸. *رجال الطوسی*، ص 378.
- ۱۳۹. *رجال النجاشی*، ص 405.
- ۱۴۰. *الفهرست*، طوسی، ص 243.
- ۱۴۱. *رجال النجاشی*، ص 405.
- ۱۴۲. همان، ص 418؛ *اختیار معرفة الرجال*، ج 2، ص 837.
- ۱۴۳. *رجال الطوسی*، ص 378.
- ۱۴۴. برای آگاهی بیشتر درباره آل ابی الجهم، ر.ک: *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل «آل ابی الجهم»؛ *الفوائد الرجالية*، ج 1، ص 272 - 276.

وفود العرب إلی النبی، کتاب الجمل، کتاب الصقین، کتاب النهروان، کتاب الغارات. جامع او را احمد بن محمد بن سعید همدانی، مشهور به ابن عقده (م 333 ق) روایت کرده است.<sup>145</sup>

**21. الجامع فی الفقه، علی بن محمد بن شیره القاسانی، فقیه و محدث از اصحاب و امام هادی.** <sup>146</sup> به گفته نجاشی، وی فقیهی پر نقل و فردی فاضل بوده است؛ ولی احمد بن محمد بن عیسی، بر او خرده گرفته و گفته است که سخنان و عقاید منکری را از او شنیده است. شیخ طوسی نیز او را تضعیف کرده است؛<sup>147</sup> ولی نجاشی می‌گوید:

در کتاب‌های او آنچه دلالت بر صحت و درستی این اتهام کند، وجود ندارد!<sup>148</sup>

او دارای کتابی کبیر با عنوان **الجامع فی الفقه** بوده و **کتاب الصلاة، کتاب الحج، کتاب التادیب** از دیگر آثار اوست.<sup>149</sup>

**22. الفقه المکمل، ابو سمینه محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی ابی جعفر القرشی الصیرفی.** این اثر، مشتمل بر سی کتاب است<sup>150</sup> و در آن، نشانه‌های غلو و تخلیط یافت می‌شود.<sup>151</sup> رجال‌شناسان، وی را فاسد‌العقیده و ضعیف‌قلمداد می‌کردند<sup>152</sup> و حدیثش را نمی‌نگاشتند.<sup>153</sup> افزون بر آن، وی در کوفه به دروغ‌پردازی مشهور بوده و سپس به غلو، اشتهاار یافته و از همین رو، به دستور احمد بن محمد بن عیسی، وی را از قم بیرون کردند.<sup>154</sup> چون مسلم است که احمد بن محمد بن عیسی، از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی  $\square$  بوده،<sup>155</sup> به قرینه می‌توان دریافت که شاید ابوسمینه نیز در همان عصر می‌زیسته است.

**23. الجامع فی الفقه، حسن بن زید بن محمد، ملقب به «امام الداعی الی الحق» (م 270 ق).** وی از دانشمندان فرقه زیدیه بوده و در میانه سال‌های 250 تا 270 هجری، بر طبرستان حکومت می‌کرده و در همان جا درگذشته است. آن گونه که در کتب تراجم آمده، گویا وی مؤسس دولت علوی مستقل در دیار طبرستان و دیلم بوده است.<sup>156</sup> همچنین، وی را از کسانی برشمرده‌اند که در اعتلای شعایر مذهب

۱۴۵. رجال النجاشی، ص 418.

۱۴۶. نقد الرجال، ج 3، ص 272؛ معجم رجال الحدیث، ج 13، ص 65.

۱۴۷. رجال الطوسی، ص 388.

۱۴۸. رجال النجاشی، ص 255.

۱۴۹. همان.

۱۵۰. الذریعة، ج 16، ص 297.

۱۵۱. الفهرست، طوسی، ص 223.

۱۵۲. رجال النجاشی، ص 333.

۱۵۳. خلاصة الأقوال، ص 398.

۱۵۴. رجال النجاشی، ص 333.

۱۵۵. رجال الطوسی، ص 351، 373 و 383.

۱۵۶. أعیان الشیعة، ج 5، ص 82.

تشیع در طبرستان کوشیده است.<sup>157</sup> وی صاحب آثار فراوانی بوده که کتاب *البيان و الحجة في الإمامة* از جمله آنهاست؛<sup>158</sup> اما وصف روشنی از محتوای آنها در دست نیست.

**24. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی (م 274 ق)،** از اصحاب امام جواد و امام هادی □.<sup>159</sup> خاندان او کوفی هستند.<sup>160</sup> جدّ بزرگ او محمد بن علی، از یاران زید بن علی بن الحسین □ بود که در قیام زید در برابر حکومت ظلم و ستم بنی امیه شرکت کرد و در زندان یوسف بن عمر، به شهادت رسید. در آن هنگام، خالد به همراه پدرش به قم مهاجرت کردند و در روستایی به نام بَرَقَه<sup>161</sup> ساکن شدند و به همین سبب، به بَرَقی معروف شدند.<sup>162</sup>

بسیاری از بزرگان و رجال‌شناسان شیعه، او را مورد اطمینان و ثقّه دانسته‌اند؛<sup>163</sup> اما از آن رو که از افراد ضعیف، روایت نقل می‌کرد و به احادیث مرسل، اعتماد می‌نمود، با مذمت و طعن قمی‌ها رو به رو شد. علاوه بر این، اتهام به غلو و نقل روایات غلوآمیز، عامل دیگری بود که سبب مذمت وی گردید.<sup>164</sup> از این رو، احمد بن محمد بن عیسی - که در آن زمان، رئیس محدثان قم بود - او را تبعید کرد؛ ولی پس از مدتی، او را به قم فرا خواند و حتی در مراسم تشییع جنازه او، با سر و پای برهنه شرکت کرد تا اهانتی را که به او روا داشته بود، جبران کند.<sup>165</sup>

برقی از حدود دویست تن، روایت نقل می‌کند. برخی از آنان عبارت‌اند از: احمد بن محمد بن ابی نصر بزنفی، حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال. همچنین بزرگانی همچون محمد بن الحسن الصفار، عبدالله بن جعفر الحمیری، علی بن محمد ماجیلویه از او روایت شنیده‌اند.<sup>166</sup>

برقی در حدود صد کتاب نوشته است که متأسفانه تنها کتاب *المحاسن* او باقی مانده است.<sup>167</sup> این کتاب، تنها مجموعه‌ای روایی نیست، بلکه دایرة المعارفی از علوم مختلف است که در برگرفته صد کتاب در موضوعات مختلف: فقه، احکام، آداب، علل شرایع و... است. از این کتاب، آنچه امروز در دست ماست، تنها یازده کتاب است که در دو جلد، به چاپ رسیده است.<sup>168</sup>

۱۵۷. *الذریعة*، ج 5، ص 30.

۱۵۸. *الفهرست*، ابن ندیم، ص 244.

۱۵۹. *رجال البرقی*، ص 57 و 59.

۱۶۰. *رجال النجاشی*، ص 76.

۱۶۱. بَرَقَه یا بَرَقه‌رود، از روستاهای قم و از نواحی جبل است (معجم *البلدان*، ج 1، ص 389).

۱۶۲. *رجال النجاشی*، ص 76؛ *الفهرست*، طوسی، ص 62.

۱۶۳. *رجال النجاشی*، ص 76؛ *الفهرست*، طوسی، ص 62؛ *خلاصة الأقوال*، ص 63؛ *رجال ابن داوود*، ص 43؛ *رجال ابن غضائری*، ص 39.

۱۶۴. *مکتب حدیثی قم*، ص 376.

۱۶۵. *خلاصة الأقوال*، ص 63.

۱۶۶. *معجم رجال الحدیث*، ج 2، ص 38.

۱۶۷. *رجال النجاشی*، ص 76.

۱۶۸. این کتاب، یک بار در دو جلد، به کوشش دار الکتب الإسلامیه قم، 1371 ش، منتشر شده است و بار دیگر، به همت مجمع جهانی اهل بیت، تحقیق و در دو جلد به چاپ رسیده است.



*المحاسن*، از بهترین کتاب‌های روایی شیعه به شمار می‌آید و برخی اهمیت و اعتبار این کتاب را در ردیف کتب اربعه دانسته‌اند. قاضی نور الله شوشتری (م 1091 ق) در جواب دشمنان شیعه - که منابع شیعیان را منحصر در چهار کتاب می‌شمردند - می‌گوید:

این صحیح نیست و کتاب‌های شیعیان بیش از این است.

او سپس، بخشی از کتاب‌های شیعه را بر می‌شمرد و ضمن آنها از کتاب *المحاسن* برقی نیز نام می‌برد.<sup>169</sup>

علامه مجلسی، کتاب *المحاسن* برقی را از اصول معتبر شیعه می‌داند.<sup>170</sup> شیخ صدوق و کلینی نیز بر کتاب *المحاسن* اعتماد کرده و روایات بسیاری را از آن نقل می‌کنند.<sup>171</sup> شیخ صدوق در آغاز کتاب *من لا یحضره الفقیه* می‌گوید:

من احادیث این کتاب را از منابع مطمئن - که در میان فقهای شیعه مشهور است و به آن استاد و مراجعه می‌کنند - گرفته‌ام... مانند *المحاسن*، نوشته احمد بن ابوعبدالله برقی... این کتاب، از اصول اولیه شیعه و از کتاب‌هایی است که سند من به آنها معروف است.<sup>172</sup>

25. کتب ثلاثین یا الفقه المکمل،<sup>173</sup> حسین بن سعید بن حماد کوفی اهوازی (م حدود 275

ق).<sup>174</sup> وی از معاصران امام رضا، امام جواد و امام هادی  $\square$ <sup>175</sup> و از راویان برجسته و مؤثق امامیه است.<sup>176</sup> که بنا بر قول مرحوم مجلسی اول، در طبقه هفتم روات قرار می‌گیرد.<sup>177</sup> او از اهالی کوفه بوده که برای نشر معارف اهل بیت  $\square$  در اهواز ساکن شد و در اواخر عمر، به قم آمد و در همان جا وفات یافت.<sup>178</sup> ابن ندیم در توصیف حسین بن سعید می‌نویسد:

أوسع أهل زمانها بالفقه و الآثار و المناقب و غیر ذلك من علوم الشیعة.<sup>179</sup>

گفتنی است که حسین بن سعید، کتاب‌های مورد بحث را با همراهی برادرش حسن نگاشته است. نجاشی، این کتب را - که از مصنّفات معتبر و مورد اعتماد شیعه بوده - به چند طریق نقل می‌کند.<sup>180</sup>

۱۶۹. *مصائب النواصب* (به نقل از مقدمه *المحاسن*، ج ۱، ص ۱۰).

۱۷۰. *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۲۷.

۱۷۱. مقدمه *المحاسن*، ج ۱، ص ۳.

۱۷۲. کتاب *من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۴.

۱۷۳. *الذریعة*، ج ۱۶، ص ۲۹۷.

۱۷۴. *مدیة العارفین*، ج ۱، ص ۳۳۱. اتان کلبرگ و زرکلی، او را در سال سیصد هجری، زنده می‌دانند (*کتابخانه ابن طاووس*، ص ۲۱۹؛ *الاعلام*، ج ۴، ص ۱۰)؛ اما با توجه به آن که وی از راویان امام رضا  $\square$  بوده و بیشتر مصاحبتش با آن امام بوده است، نظر اسماعیل پاشا، صحیح‌تر به نظر می‌آید. برخی دیگر، سال وفات او را بین ۲۲۰ تا ۲۳۰ هجری می‌دانند (رک: «تحقیق درباره کتاب الکافی»، *نامه آستان قدس*، ش ۱۲، ص ۲۰).

۱۷۵. *الفهرست*، طوسی، ص ۱۱۲.

۱۷۶. *رجال الطوسی*، ص ۳۵۵.

۱۷۷. *الذریعة*، ج ۱۵، ص ۱۴۸ (در *توصیف طبقات الرواة*، مرحوم محمد تقی مجلسی). اما بر طبق محاسبه آیه الله واعظ‌زاده خراسانی، حسین بن سعید از صغار طبقه ششم محسوب می‌گردد (رک: «تحقیق درباره کتاب الکافی»، *نامه آستان قدس*، ش ۱۲، ص ۱۹).

۱۷۸. *الفهرست*، طوسی، ص ۱۱۲؛ *لسان المیزان*، ج ۲، ص ۲۶۱.

۱۷۹. *الفهرست*، ابن ندیم، ص ۲۷۷.

شیخ طوسی و نجاشی، این کتب را با اندکی اختلاف، فهرست کرده‌اند که در اینجا به فهرست نجاشی بسنده می‌گردد: *کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب العتق و التدبیر و المکاتبة، کتاب الأیمان و النذور، کتاب التجارات و الإجازات، کتاب الخمس، کتاب الشهادات، کتاب الصيد و الذبائح، کتاب المکاسب، کتاب الأشربة، کتاب الزیارات، کتاب التقیة، کتاب الرد علی الغلاة، کتاب المناقب، کتاب المثالب، کتاب الزهد، کتاب المروة، کتاب حقوق المؤمنین و فضلهم، کتاب تفسیر القرآن، کتاب الوصایا، کتاب الفرائض، کتاب الحدود، کتاب الديات، کتاب الملاحم، کتاب الدعاء*.<sup>181</sup> از این مجموعه، *کتاب المؤمن و کتاب الزهد*، به انتشار رسیده‌اند.

علاوه بر این کتاب‌ها، برخی *کتاب النوادر* احمد بن محمد عیسی اشعری را هم به حسین بن سعید نسبت داده‌اند.<sup>182</sup>

از امتیازات کتب حسین بن سعید، آن است که میزانی در سنجش صحت و سقم دیگر کتب محسوب می‌شده است؛ به طوری که دانشمندان علم رجال، کتب بسیاری را به کتب حسین بن سعید تشبیه کرده‌اند<sup>183</sup> و این ویژگی، درباره دیگر کتب متقدمان به چشم نمی‌خورد.

**26. الجامع فی الحدیث**،<sup>184</sup> ابو جعفر محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعری القمی (م حدود 280 ق).<sup>185</sup> وی از فقیهان و محدثان موثق امامیه بوده که جز آن که از ضعفا روایت نقل می‌کرده، به مراسیل هم اعتماد می‌کرده است.<sup>186</sup>

شیخ طوسی، *کتاب نوادر الحکمة* را - که شامل بیست و دو کتاب و اغلب در موضوعات فقهی است - از آثار او بر می‌شمرد.<sup>187</sup> نجاشی در توصیف این کتاب می‌نویسد:

*نوادر الحکمة* کتابی نیک و بزرگ است. قمی‌ها آن را با عنوان «دبّة شیب» می‌شناسند... در قم، شخصی به نام شیب بوده است. این شخص، ظرفی چندخانه داشته و هر نوع روغنی که مردم می‌خواستند، از آن ظرف به آنان می‌داده است.<sup>188</sup>

۱۸۰. *رجال النجاشی*، ص 58.

۱۸۱. همان.

۱۸۲. ر.ک: *مقدمه کتاب النوادر*، ص 9.

۱۸۳. ر.ک: *معالم العلماء*، ص 137 (در توصیف محمد بن سنان و محمد بن حسن صفار) و ص 138 (در توصیف محمد بن علی الصیرفی) و ص 167 (در توصیف یونس بن عبدالرحمان)؛ *رجال النجاشی*، ص 253 (در توصیف علی بن مهزیار). قابل توجه آن که کتب علی بن مهزیار از نظر عناوین، تقریباً همانند کتب حسین بن سعید است، جز آن که وی چند کتاب مانند *کتاب البشارات، کتاب الأنبیاء* بر آن افزوده است.

۱۸۴. *الذریعة*، ج 5، ص 29.

۱۸۵. *مدیة العارفین*، ج 2، ص 20.

۱۸۶. *رجال النجاشی*، ص 348؛ *معجم رجال الحدیث*، ج 16، ص 48.

۱۸۷. *الفهرست، طوسی*، ص 221.

نگاشته دیگری که ابن ندیم به آن اشاره می‌کند، کتاب *الجامع* است که آن نیز شامل ابوابی در فقه است؛<sup>189</sup> اما آقابزرگ تهرانی چنین حدس زده که کتاب *الجامع همان نوادر الحکمة* اشعری است<sup>190</sup> و نقل ابن طاووس از آن، به واسطه کتاب *المرشد* شیخ صدوق است.<sup>191</sup> به هر حال، مسلم است که وی کتابی در ابواب فقهی داشته و آن، از منابع کتاب *من لایحضره الفقیه* بوده است. نمونه‌های دیگری از روایات او در کتب دیگری نظیر *علام الوری، مختصر بصائر الدرجات* و... آمده است.<sup>192</sup>

**27. الجامع الكبير فی الفقه، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود الثقفی (م 283 ق)، مورخ، محدث، مفسر و فقیه امامی.** نیای چهارم وی، سعد بن مسعود، عموی مختار ثقفی، از جانب امیرمؤمنان □ والی مداین بوده است. امام حسن □ نیز در روز ساباط (جنگ معاویه با امام حسن □) به منزل وی پناه برد.<sup>193</sup>

ثقفی، ابتدا در کوفه زندگی می‌کرد و زیدی مذهب بود، اما بعدها به مذهب امامیه گروید و به اصفهان مهاجرت کرد. درباره سبب هجرت او به اصفهان گفته‌اند که برخی از دانشمندان کوفه، کتاب *المعرفة* او را - که در مناقب اهل بیت و مثالب دشمنان ایشان نگاشته بود - خلاف تقیه دانستند و او سوگند یاد کرد که این کتاب را در اصفهان - که دورترین شهر از عقاید شیعه است - منتشر نماید.<sup>194</sup> از این رو، وی کوفه را ترک کرد و به قصد نشر و ترویج آرای شیعه، در اصفهان اقامت گزید. علمای شیعه، ثقفی را ستوده‌اند و او را از راویان ثقه و ممدوح می‌دانند؛<sup>195</sup> اما برخی از دانشمندان اهل سنت، او را به سبب شیعه بودن، جرح کرده‌اند و او را غالی در تشیع خوانده‌اند.<sup>196</sup>

مؤلف این جامع، از نویسندگان نامی عصر خود بوده که بیش از پنجاه کتاب نگاشته<sup>197</sup> و از این میان، تنها *الغارات* - که شرح یورش‌های لشکر معاویه و تجاوزات آنان به قلمرو حکومت امیر مؤمنان □ بعد از جنگ نهروان و تاریخ دوره پایانی خلافت حضرت علی □ است -<sup>198</sup> بر جای مانده است.

۱۸۸. *رجال النجاشی*، ص 348 - 349. گفتنی است که «دبّه»، ظرفی شیشه‌ای است که در آن، روغن نگهداری می‌کنند (*المعجم الوسیط*، ذیل ماده دب).

۱۸۹. *الفهرست*، ابن ندیم، ص 277.

۱۹۰. *الذریعة*، ج 5، ص 29.

۱۹۱. *اقبال الأعمال*، ج 3، ص 263.

۱۹۲. ر.ک: *کتابخانه ابن طاووس*، ص 323 و 324.

۱۹۳. *رجال النجاشی*، ص 17؛ *الفهرست*، طوسی، ص 36.

۱۹۴. همان.

۱۹۵. ر.ک: *معجم رجال الحدیث*، ج 1، ص 258.

۱۹۶. *ذکر اخبار اصفهان*، ج 1، ص 187؛ *لسان المیزان*، ج 1، ص 103.

۱۹۷. برای اطلاع از کتب او، ر.ک: *رجال النجاشی*، ص 17 - 18؛ *الفهرست*، طوسی، ص 37؛ *معالم*

*العلماء*، ص 39 و 40؛ *معجم رجال الحدیث*، ج 1، ص 256؛ *أعیان الشیعة*، ج 2، ص 209.

۱۹۸. *مقدمه الغارات*، ص 3.

**الجامع الكبير في الفقه، الجامع الصغير وجامع الفقه و الأحكام**، از آثار فقهی اوست<sup>199</sup> که هر سه، در زمره کتب جوامع محسوب می‌گردد. نجاشی، کتاب اخیر را با سه واسطه (ابن عبدون عن ابن الزبیر عن المستملی عن المؤلف الثقفی)<sup>200</sup> روایت کرده و دو کتاب **الجامع الكبير و الجامع الصغير** را با سندی دیگر نقل می‌نماید. از این رو، آشکار می‌گردد که این سه، مؤلفات جداگانه‌ای بوده‌اند. اثر فقهی دیگر ثقفی، کتاب **الحلال و الحرام**<sup>201</sup> است که تا قرن هفتم موجود بوده و ابن طاووس از آن نقل می‌نماید؛<sup>202</sup> اما به اشتباه، نام وی را اسحاق بن ابراهیم ثقفی، ثبت کرده است. باید خاطر نشان کرد که از این نگاشته ابراهیم ثقفی، تنها در کتاب **اقبال و الذریعة**، نامی به میان آمده و در دیگر کتب رجال و تراجم، ذکری از آن به چشم نمی‌خورد. شاید بتوان گفت که این کتاب، عنوان دیگری برای همان **جامع الفقه و الأحكام** است که نجاشی از آن یاد کرده است.<sup>203</sup>

**28. الجامع**، بکار بن احمد، شیخ طوسی در **الفهرست**، افزون بر این نگاشته، کتب دیگری را برای او برشمرده است که عبارت‌اند از: کتاب الزکاة، کتاب الحج، کتاب الطهارة، کتاب الجنائز.<sup>204</sup> همو در **الرجال** خویش از بکار بن احمد بن زیاد، در باب «فی من لم یرو عن واحد من الأئمة» یاد کرده است.<sup>205</sup> که به سبب اختلاف راویان این دو، گمان برده‌اند که این نام، به دو تن تعلق دارد؛ اما بنا بر این که در هر دو کتاب، شیخ علی بن محمد بن زبیر قرشی، از راویان اوست، می‌توان گفت که این عناوین، به یک فرد مربوط است.<sup>206</sup> با این همه، درباره این فرد، اطلاع بیشتری در کتب تراجم و رجال نیامده است و طریق شیخ طوسی نیز به آن ضعیف است.<sup>207</sup>

**29. الجامع فی الفقه**، محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی (اواخر قرن سوم).<sup>208</sup> وی فقیه نامور و پیشوای اهل قم در روزگار خود بود.<sup>209</sup> نجاشی، در فهرست آثار او، کتب مختلفی را در موضوعات فقهی یاد می‌کند؛<sup>210</sup> اما شیخ طوسی، این کتب را ابواب کتاب **الجامع** او می‌داند و برخی از بخش‌های آن را چنین بر می‌شمرد: کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصیام و کتاب الحج.<sup>211</sup> اثر دیگر اشعری - که مشابه کتاب **الجامع** اوست -، کتاب **الضیاء و النور**

۱۹۹. **رجال النجاشی**، ص ۱۷.

۲۰۰. همان، ص ۱۸؛ **الذریعة**، ج ۵، ص ۶۵.

۲۰۱. **الذریعة**، ج ۵، ص ۶۵.

۲۰۲. **اقبال الأعمال**، ج ۱، ص ۵۶.

۲۰۳. **کتابخانه ابن طاووس**، ص ۲۹۱.

۲۰۴. **الفهرست**، طوسی، ص ۸۶.

۲۰۵. **رجال الطوسی**، ص ۴۱۷.

۲۰۶. **مستدرکات علم رجال الحدیث**، ج ۲، ص ۴۵؛ **أعیان الشیعة**، ج ۳، ص ۵۸۸.

۲۰۷. **معجم رجال الحدیث**، ج ۴، ص ۲۴۳.

۲۰۸. **کتابخانه ابن طاووس**، ص ۴۴۵.

۲۰۹. **رجال النجاشی**، ص ۳۴۹.

۲۱۰. همان.

۲۱۱. **الفهرست**، طوسی، ص ۲۲۲.

است که شامل ابواب نکاح، طلاق، رضاع، حدود و دیات بوده<sup>212</sup> و با ابواب دیگری که نجاشی به بیان آنها می‌پردازد، هم‌خوانی دارد.

ابن شهر آشوب، *الجامع و النور و الضیاء* را کتاب‌هایی مستقل تلقی کرده و *الجامع* را شامل عبادات، *النور* را شامل معاملات می‌داند و محتوای *الضیاء* را بیان نکرده است؛<sup>213</sup> اما برداشت شیخ آقابزرگ تهرانی از گفتار شیخ طوسی، که کتاب *الجامع* او شامل ابواب وضو تا دیات<sup>214</sup> و کتاب *الضیاء* و *النور* نیز عناوین بخش‌هایی دیگر از کتاب است - که فصول عبادات و معاملات را از یکدیگر جدا می‌نماید - صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

**30. کتب ثلاثین**، موسی بن حسن بن عامر بن عبد الله بن سعد اشعری قمی. او را با الفاظی از قبیل «ثقه»، «عین» و «جلیل» توصیف کرده‌اند.<sup>215</sup> وی صاحب سی کتاب بوده که برخی از آنها عبارت‌اند از: کتاب الطلاق، کتاب الوصایا، کتاب الفرائض، کتاب الفضائل، کتاب الحج، کتاب الرحمة (که همان کتاب الوضوء است)، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الحج، کتاب الصیام، کتاب یوم و لیلة، کتاب الطب.<sup>216</sup> این کتاب‌ها را عبد الله بن جعفر حمیری - که در سال 297 ق، به کوفه آمده -، روایت کرده است.<sup>217</sup>

**31. الجامع فی أنواع الشرایع**، حمید بن زیاد بن حماد دهقان (م 310 ق). وی از مصنفان و محدثان موثق کوفی است که در سورا و نینوا می‌زیسته و از بزرگان واقفه بوده<sup>218</sup> و روایتش را در صورت نبود معارض، مقبول شمرده‌اند.<sup>219</sup>

وی را از جمله معمرین شمرده‌اند؛ به طوری که از جابر جعفی (م 132 ق) و ابو حمزه ثمالی (م 150 ق) با یک واسطه روایت می‌کند.<sup>220</sup> با این حال، شیخ طوسی، نامش را در زمره کسانی که از ائمه روایت نکرده‌اند، یاد می‌کند.<sup>221</sup> او راوی بسیاری از کتب اصول و صاحب تألیفات بسیار بوده است؛ چندان که شماره مصنفات او را به تعداد کتب اصول دانسته‌اند.<sup>222</sup> شیخ طوسی، از کتب او از سه طریق و به دو واسطه روایت می‌کند؛<sup>223</sup> اما درباره آثار او اطلاعی در دست نیست.

**32. محمد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی**، معروف به عیاشی (م 320 ق).<sup>224</sup> وی از

۲۱۲. همان.

۲۱۳. *معالم العلماء*، ص 138.

۲۱۴. *الذریعة*، ج 5، ص 130.

۲۱۵. *رجال النجاشی*، ص 406.

۲۱۶. همان.

۲۱۷. *رسالة فی آل عین*، ص 51؛ *رجال الطوسی*، ص 449؛ *الذریعة*، ج 6، ص 254.

۲۱۸. *رجال النجاشی*، ص 132.

۲۱۹. *خلاصة الأقوال*، ص 129.

۲۲۰. *الذریعة*، ج 2، ص 148.

۲۲۱. *رجال الطوسی*، ص 421.

۲۲۲. *الفهرست، طوسی*، ص 114.

۲۲۳. همان.

۲۲۴. *الأعلام*، ج 7، ص 95.

دانشمندان اواخر قرن سوم هجری به شمار می‌رود. او نزد گروهی از مشایخ کوفه، قم و بغداد حدیث آموخت. وی خانه خود را کانون اجتماعات و مرکز دانش شیعه قرار داد و تمامی مبلغ سیصد هزار دیناری را - که از پدرش به ارث برده بود - در راه ترویج علم و حدیث صرف نمود. او در جوانی، بر مذهب عامه بوده و پس از مدتی، مستبصر شد و به مذهب تشیع گروید.<sup>225</sup> او استاد ابو عمرو کشی<sup>226</sup> (صاحب رجال) و هم‌طبقه کلینی بوده است.<sup>227</sup> عیاشی دارای کتب بسیاری بوده که شماره آن را تا دویست کتاب دانسته‌اند. وی چون از دانشوران شرق جهان اسلام بوده، آثارش در نواحی خراسان اهمیت بسیار داشته<sup>228</sup> و تلاش‌های علمی او در سمرقند چشمگیر است.

رجال‌شناسان، وی را از روایان صدوق و ثقه می‌دانند که از ضعف، نقل حدیث کرده است.<sup>229</sup> شیخ طوسی، او را با عباراتی نظیر: «جلیل القدر»، «واسع الأخبار»، «بصیر بالروایات و مطلع علیها» توصیف می‌کند.<sup>230</sup>

اگرچه در میان کتب او، تألیفی که با عنوان «الجامع» باشد، ملاحظه نمی‌گردد، اما سبب ذکر او در زمره جامع‌نگاران، از آن روست که وی در بیشتر ابواب فقه و غیر آن (همچون تفسیر، حدیث، تاریخ، نجوم، طب و سیره)، مصنّفاتی را از خود بر جای نهاده است.<sup>231</sup> افسوس که آثار این دانشور فرزانه، از گزند حوادث در امان نماند و جز بخشی از تفسیر وی در اختیار نیست.

## نتیجه

اکنون، در نتیجه این جستجوی گسترده، با اطمینان می‌توان گفت چهار کتابی که *الکافی* کلینی، پیش‌قراول آنهاست، برخلاف پندار بسیاری از کسان، به معنای مطلق کلمه، «کهن‌ترین جوامع حدیثی شیعه» نیستند، بلکه پیش از مصنّفان این کتاب‌ها، شمار چشمگیری از اصحاب ائمه □ و غیر ایشان، به تألیف جوامع یا کتاب‌هایی مبوب دست زده‌اند. در واقع باید گفت که تألیف مصنّفات حدیثی شیعه نیز مثل هر رشته علمی دیگر، مسیر نقص به کمال، بساطت، سادگی و خامی به ترکیب، پیچیدگی و پختگی را پیموده است؛ بدین معنا که اصحاب ائمه □ در گام نخست، به ثبت و ضبط احادیث، در دفترهایی اقدام کرده‌اند که فهرست‌نگاران، آنها را «اصول» خوانده‌اند. احادیث مندرج در این دفترها، دسته‌بندی نشده و فاقد نظم و ترتیب بوده است. در مرحله بعد، محدثانی که احوال و آثارشان به اختصار گذشت، ضرورت دسته‌بندی و تبویب آن احادیث پراکنده را دریافتند و در نتیجه، به تدوین و تصنیف جوامع مورد بحث، اقدام کردند.

۲۲۵. رجال النجاشی، ص 350.

۲۲۶. همان، ص 372.

۲۲۷. الذریعة، ج 4، ص 295.

۲۲۸. الفهرست، ابن ندیم، ص 244.

۲۲۹. رجال النجاشی، ص 350.

۲۳۰. الفهرست، طوسی، ص 212.

۲۳۱. ر.ک: رجال النجاشی، ص 351 - 352؛ الفهرست، ابن ندیم، ص 244 - 246.

در مرحله سوم، کلینی و دیگر مصنفان کتب اربعه، با بهره‌گیری از تجربیاتی که حاصل کار جامع‌نویسان سده‌ها و دهه‌های پیشین بوده است، گام بلندتری را در این زمینه برداشتند و جوامعی بس پیراسته‌تر، منظم‌تر و شامل‌تر را در دسترس جامعه شیعه نهادند.

### کتابنامه

- *إختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)*، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي)، تصحيح و تعليق: مير داماد الأسترآبادي، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مؤسسة آل البيت □ لإحياء التراث.
- *الاعلام*، خيرالدين الزركلي، بيروت: دار العلم للملايين، 1980 م.
- *الإقبال بالأعمال الحسنة في ما يعمل مرة في السنة*، علي بن موسى الحلبي (السيد ابن طاووس)، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1414 ق.
- *الأنساب*، عبد الكريم بن محمد السمعاني، تحقيق: عبد الله عمر البارودي، بيروت: دار الجنان، 1408 ق.
- *أعيان الشيعة*، السيد محسن الأمين، تحقيق: حسن الأمين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
- *أمل الآمل*، محمد بن الحسن الحرّ العاملي، بغداد: مكتبة الأندلس.
- *بحار الأنوار*، محمد باقر بن محمد تقى المجلسي (العلامة المجلسي)، تحقيق: عبد الرحيم الرباني الشيرازي، بيروت: دار احياء التراث العربي، 1403 ق.
- «بررسی حجت مراسبیل ابن ابی عمیر»، محمد تقی دیاری بیدگلی، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ش 1، بهار و تابستان 1382.
- *التاریخ الكبير*، ابو عبد الله محمد بن اسماعيل البخاري، ديار بكر: المكتبة الإسلامية.
- *التبيين لأسماء المدلسين*، سبط ابن العجمي، تحقيق: يحيى شفيق، بيروت: دار الكتب العلمية، 1406 ق.
- *التحرير الطاووسي*، حسن بن زين الدين الشهيد الثاني، تحقيق: فاضل الجواهرى، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، 1411 ق.
- *تذكرة الحفاظ*، محمد بن أحمد الذهبي، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- *تنقيح المقال في علم الرجال*، عبدالله بن محمد حسن المامقاني، نجف: مطبعة المرتضوى، 1352 ق.
- *تهذيب الأحكام*، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) تحقيق: السيد حسن الموسوي الخراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1365 ش.
- *تهذيب الكمال في أسماء الرجال*، يونس بن عبد الرحمان المزني، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1409 ق.

- *الجرح و التعديل*، عبد الرحمان بن محمد ابن أبى حاتم، مجلس دائرة المعارف العثمانية، 1952 م.
- *خلاصة الأقوال في علم الرجال*، حسن بن يوسف الحلبي (العلامة الحلبي)، تحقيق: الشيخ جواد القمي، مؤسسة النشر الإسلامي و مؤسسة نشر الفقه، 1417 ق.
- *دائرة المعارف بزرگ اسلامي*، زير نظر: كاظم موسوي بجنوردي، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، 1367 ش.
- *دانش درايه الحديث*، محمد حسن رباني، مشهد: دانشگاه علوم اسلامي رضوي، 1380 ش.
- *الذريعة إلي تصانيف الشيعة*، محمد محسن بن علي المنزوي (آقابزرگ الطهراني)، بيروت: دار الأضواء.
- *ذكر أخبار إصبهان*، احمد بن عبد الله الأصبهاني (ابو نعيم)، تحقيق: سون ددرينگ، ليدن هلند: بريل، 1934 م.
- *الرجال*، احمد بن الحسين ابن غضائري، تحقيق: السيد محمد رضا الجلالی، قم: دار الحديث، 1380 ش.
- *الرجال*، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، تهران: دانشگاه تهران، 1383 ق.
- *رجال ابن داود*، حسن بن علي بن داود الحلبي، تحقيق: السيد محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: منشورات مطبعة الحيدريه، 1392 ق.
- *رجال الطوسي*، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي)، تحقيق: جواد القمي الأصفهاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1415 ق.
- *رجال النجاشي (فهرس أسماء مصنفی الشيعة)*، أحمد بن علي النجاشي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1416 ق.
- *رسائل الشريف المرتضي*، علي بن حسين موسوي علم الهدى (السيد المرتضي)، تقديم و اشراف: السيد أحمد الحسيني، إعداد: السيد مهدي الرجائي، بيروت: مؤسسة النور للمطبوعات.
- *رسالة في آل أعين*، ابو غالب الزراري، تحقيق: محمد علي الموسوي الموحد الأبطحي الأصفهاني، مطبعة رباني، 1399 ق.
- *الزهد*، حسين بن سعيد الكوفي الأهوازي، تحقيق: ميرزا غلام رضا عرفانيان، قم: مطبعة العلمية، 1399 ق.
- *سير أعلام النبلاء*، محمد بن أحمد الذهبي، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1413 ق.
- *الصحاح*، اسماعيل بن حماد الجوهري، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، بيروت: دارالعلم للملايين، 1990 م.
- *الضعفاء و المتروكين*، أحمد بن علي النسائي، بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر، 1406 ق.



- *الطبقات الكبرى*، محمد بن سعد كاتب الواقدي، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دار صادر.
- *طبقات المدلسين*، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر)، تحقيق: عاصم بن عبد الله القريوني، اردن: مكتبة المنار.
- *الغارات*، إبراهيم بن محمد الثقفي، تحقيق: جلال الدين محدث ارموي، تهران: چاپخانه بهمن، 1355ق.
- *الغدير*، عبدالحسين الأميني، بيروت: دار الكتاب العربي، 1977 م.
- *الفائق في رواية و أصحاب الإمام الصادق*، عبدالحسين الشبستري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1418 ق.
- «حسن بن محبوب كوفي»، محمد باقر بهبودي، *فصلنامه فقه*، ش 11 - 12، فروردين 1376.
- *الفوائد الرجالية*، السيد محمد مهدي بحر العلوم، تحقيق و تعليق: محمد صادق بحر العلوم و حسين بحر العلوم، تهران: مكتبة الصادق، 1363 ش.
- *الفهرست*، ابو الفرج محمد بن اسحاق الوراق (ابن النديم)، تحقيق: محمد رضا تجدد، تهران: امير كبير، 1350 ش.
- *الفهرست*، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1415 ق.
- *قاموس الرجال*، الشيخ محمد تقى التستري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1419 ق.
- *الكافي*، أبو جعفر محمد بن يعقوب الكليني، تصحيح: على أكبر الغفاري، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1367 ش.
- «تحقيق درباره كتاب كافي»، محمد واعظزاده خراساني، *نامه آستان قدس*، ش 2 - 12، دى 1339 - خرداد 1341 ش.
- *الكامل في ضعفاء الرجال*، عبد الله بن عدى الجرجاني، تحقيق: يحيى مختار الغزاوى، بيروت: دارالفكر، 1409 ق.
- *كتاب النوادر*، احمد بن محمد بن عيسى الأشعري، قم: مدرسة الإمام المهدي، 1408 ق.
- *كتابخانه ابن طاووس*، اتان كلبرگ، ترجمه: سيد على قرائى و رسول جعفریان، قم: كتابخانه عمومى آية الله العظمى مرعشى نجفى، 1371 ش.
- *كتاب من لا يحضره الفقيه*، أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق)، تصحيح: على أكبر غفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- *كليات في علم الرجال*، جعفر سبحاني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق.
- *لسان الميزان*، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر)، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1971 م.

- *المحاسن*، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، تحقيق: جلال الدين الحسيني، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1330 ش.
- *مدخل إلي علم الفقه عند المسلمين الشيعة*، علي خازم، بيروت: دار الغربية، 1413 ق.
- *مستدرکات علم رجال الحديث*، علي نمازی شاهرودی، تهران: چاپخانه حیدری.
- *معالم العلماء*، أبو جعفر محمد بن علی السروی المازندرانی (ابن شهر آشوب)، نجف: المطبعة الحيدرية، 1961 م.
- *المعتبر في شرح المختصر*، نجم الدين أبي القاسم جعفر بن الحسن (المحقق الحلبي)، قم: مؤسسة سيد الشهداء □، 1364 ش.
- *معجم البلدان*، ياقوت بن عبدالله الحموي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، 1399 ق.
- *المعجم الوسيط*، ابراهيم أنيس و آخرون، بيروت: دار احياء التراث العربي، 1392 ق / 1972 م.
- *معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة*، [ آية الله ] السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي، بيروت: دار إحياء التراث، 1413 ق.
- *معجم مصطلحات الرجال و الدراية*، محمدرضا جديدي نژاد، به اشراف: محمد كاظم رحمان ستايش، قم: دار الحديث، 1424 ق.
- *المفيد من معجم رجال الحديث*، محمد جواهری، قم: مكتبة المحلاتي، 1424 ق.
- «مناظرات مذهبي شيعه»، محمود فاضل يزدي، *مقالات فارسي*، ش 49، قم: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، 1413 ق.
- *مقباس الهداية*، عبدالله بن حسن المامقاني، تلخيص: علي اكبر غفاري، تهران: جامعه الامام الصادق □، 1369 ش.
- *مكتب حديثي قم*، محمدرضا جباري، قم: زائر، 1384 ش.
- *المل و النحل*، محمد بن عبد الكريم بن أحمد الشهرستاني، تحقيق: محمد سيد گيلاني، بيروت: دار المعرفة.
- *منهج النقد في علوم الحديث*، نورالدين عتر، دمشق: دار الفكر، 1997 م.
- *ميراث مكتوب شيعه از سه قرن نخستين هجري*، سيد حسن مدرسي طباطبائي، ترجمه: سيد علي قرائي و رسول جعفريان، قم: كتابخانه تخصصي تاريخ اسلام و ايران، 1383 ش.
- *ميزان الاعتدال*، محمد بن أحمد الذهبي، تحقيق: علي محمد الجاوي، بيروت: دار المعرفة.
- *المؤمن*، حسين بن سعيد الأهوازي، قم: مدرسة الإمام المهدي □، 1404 ق.

- نقد الرجال، السيد مصطفى بن حسين التفرشي، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، 1418 ق.

- هدية العارفين، اسماعيل پاشا بن محمد أمين البغدادي، بيروت: دار احياء التراث العربى.